

نقل از ارگان مرکزی حزب کار ایران (توفان)

### "عفاف" یا زفاف

مارکس و انگلس این بزرگترین آموزگاران پرولتاریا در اثر دورانساز خود "بیانیه حزب کمونیست" در مورد خانواده و اتهاماتیکه بورژوازی به کمونیستها می زند می آورند: "و اما خانواده! حتی افراطی ترین رادیکالها نیز از این قصد پلید کمونیستها به خشم در می آیند.

خانواده کنونی بورژوازی بر چه اساسی استوار است؟ بر اساس سرمایه و مداخل خصوصی. این خانواده بصورت تمام و کمال تنها برای بورژوازی وجود دارد و بی خانمانی اجباری پرولتارها و فحشاء عمومی مکمل آنست.

خانواده بورژوازی طبیعتاً با از میان رفتن این مکمل خود از بین می رود و زوال هر دو با زوال سرمایه توأم است.

ما را سرزنش می کنند که می خواهیم به استثمار والدین از اطفال خود خاتمه دهیم؟ ما باین جنایت اعتراف می کنیم.

ولی شما می گوئید که وقتی ما بجای تربیت خانگی تربیت اجتماعی را برقرار می سازیم، گرامیترین مناسباتی را که برای انسان وجود دارد از میان می بریم.

اما مگر تعیین کننده پرورش خود شما جامعه نیست؟ مگر تعیین کننده این پرورش آن مناسبات اجتماعی که در درون آن به کار پرورش مشغولید و نیز دخالت مستقیم و یا غیر مستقیم جامعه از طریق مدرسه و غیره نیست؟ کمونیستها تاثیر جامعه در پرورش را از خود اختراع نمی کنند، آنها تنها خصلت آنرا تغییر می دهند و کار پرورش را از زیر تاثیر نفوذ طبقه حاکمه بیرون می کشند.

هر اندازه که در سایه رشد صنایع بزرگ پیوندهای خانوادگی در محیط پرولتاریا بیشتر از هم می گسلد و هر اندازه که کودکان بیشتر به کالای ساده و افزار کار مبدل می گردند، بهمان اندازه یاوه سرانی های بورژوازی در باره خانواده و پرورش و روابط محبت آمیز والدین و اطفال بیشتر ایجاد نفرت می کند.

بورژوازی خود را تنها یک ابزار تولید می شمرد. وی می شنود که افزارهای تولید باید مورد بهره برداری همگانی قرارگیرند، لذا بدیهی است که نمی توانند طور دیگری فکر کند جز اینکه همان سرنوشت شامل زنان نیز خواهد شد.

وی حتی نمی تواند حدس بزند که اتفاقاً صحبت بر سر آنست که این وضع زنان، یعنی صرفاً افزار تولید بودن آنان، باید مرتفع گردد.

وانگهی چیزی مضحک تر از وحشت اخلاقی عالیجنابانه بورژواهای ما از این اشتراک رسمی زنها، که به کمونیستها نسبت می دهند، نیست. لازم نیست کمونیستها اشتراک زن را عملی کنند، این اشتراک تقریباً همیشه وجود داشته است.

بورژواهای ما، باینکه زنان و دختران پرولتارهای خود را تحت اختیار دارند، اکتفاء نمی ورزند و علاوه بر فحشاء رسمی لذت مخصوصی می برند و قبیحه زنان یکدیگر را از راه بدر کنند.

زناشویی بورژوازی در واقع همان اشتراک زنان است. حداکثر ایرادیکه ممکن بود به کمونیستها وارد آورند این است که می خواهید اشتراک ریاکارانه و پنهانی زنان را رسمی و آشکار کنند. ولی بدیهی است که با نابود شدن مناسبات کنونی تولید، آن اشتراک زنان که از این مناسبات ناشی شده، یعنی فحشاء رسمی و غیر رسمی، نیز از میان خواهد رفت ("مانیفست حزب کمونیست، فارسی، چاپ پکن صفحات ۶۱ تا ۶۳).

حال این سخنان داهیان آموزگاران کمونیسم را با اتهاماتیکه جمهوری اسلامی و آخوندهای مزدور رژیم پهلوی در ایران به کمونیستها می زدند مقایسه کنید تا ببینید که پیشگویی های مارکس و انگلس تا به چه حد صحت خود را به اثبات رسانده است.

رژیم آخوندی که یک رژیم سرمایه داری و بورژوازی در لباس مذهبی است توانست مجموعه جامعه اسلامی را با وعده های دروغین فساد زدائی به فحشاء عمیق بکشاند. آنها در بدو انقلاب به قلعه شهرنو حمله کردند زنان بدبخت و فلک زده و مستضعف شهرنو را که خود قربانیان جامعه طبقاتی بودند به بند کشیدند، پاره ای از آنان را اعدام کردند تا به خیال خود

فحشاء را بزدايند، در شهر نو را بستند به مصداق اين مثل که از "دل برود هر آنکه از دیده برفت" و آنوقت با موجی از فساد و فحشاء که دلايل عميق اجتماعی و فرهنگی دارد در جامعه روبرو شدند. اسلام در عمل به عکس آن چیزی رسيد که از نخست ادعای اصلاح آنرا را داشت زیرا ايدئولوژی اسلامی بشدت عقب ماده و ارتجاعی و ضد بشر است. آنها بدنبال "مطلقها" که در مغز آنان کرده اند می روند. چون حکومت آنها ولائی است و ولی فقيه بر سر کار است و مسلمان هستند و اسلام بر همه چیز نظر می افکند و رهبر عالیقدر خامنه ای زمام امور را در دست دارد و در کتاب آسمانی قرآن فحشاء مذموم شناخته شده است پس فحشاء وجود ندارد و نمی تواند در جامعه اسلامی وجود داشته باشد. چون مغز کوچک من آن را نمی پذیرد پس نیست. آنها با نفی واقعیتها، جامعه را بر اساس دروغ پیا کردند و خود به سر منشاء آسیب زدگیهای اجتماعی بدل شدند. در جامعه ای که آزادی جنسی تکفیر می شود و با آتش دوزخ مجازات می گردد، در جامعه ای که فقر و مسکنت قوت لایموت را از دهان خانواده ها ربوده است و خانواده ها از هم می باشند و کسی را توانائی بر پائی خانواده نیست، در جامعه ای که بعثت خود فروشی اسلامی و انکار دورویانه آن از جانب ولی فقيه و جمهوری اسلامی بیماری مرگ آور ایدز بعثت عدم نظارت سازمانهای بهداشتی سرسام آور توسعه می باید زیرا این منطق هولناک حاکم است که یک فرد مسلمان بیماری ایدز نمی گیرد و ایدز بیماری غربی هاست، در جامعه ای که مردم از هراسناکی مجازات سنگسار برای حفظ "عصمت" و "عفت" اسلام عزیز هراسی ندارند و بریش آخوندها می خندند، در جامعه ای که سران قوم هر کدام عشرتکده و شهرنوی خصوصی خود را از قبیل "سونای زعفرانیه" دارند، دیگر تبلیغات بورازی علیه کمونیستها رنگی ندارد. و همه می بینند که نظریات کمونیستها هر روز بیشتر صحت خود را ثابت می کند.

حال در پرتو این مسایل به بحث "شیرین عفاف" به پردازیم که بیشتر طنین "زفاف" دارد.

همین چندی پیش بود که در زیر نظارت خانواده رفیق دوست که از همان خانواده میدان داران شعبان بیمخهای رژیم جمهوری اسلامی است عشرتکده ای در کرج برای رسیدگی به وضعیت زنان فراری و سرپرستی دختران خیابانی کشف شد که مرکز فساد قانونی و رسمی نوع اسلامی آن بود. بر ملا شدن این ریاکاری آخوندی که تأثیرات تکان دهنده ای در جامعه ایران داشت آخوندها را واداشت تا بحث مربوط به صیغه را که از زمان ریاست جمهوری رفسنجانی مطرح کرده بودند مجدداً به عنوان مرحوم دردها و آسیب زدگیهای اجتماعی مطرح کنند. ظاهر قضیه این است که با صیغه کردن زنان مشکلات جنسی خانواده ها بصورت رسمی و مذهبی حل می شود و از مزاحمتهای اداره گسترده دایره منکرات و خواهران زینب و "پاسداران نوامیس" کاسته شده و از مزاحمتهای خیابانی آنها که اخیراً به درگیریهای فراوان منجر می شد که ترس رژیم را موجب شده بود کاسته می گردد. از این گذشته امر صیغه تناقض آزادی جنسی را نیز از طریق سحر و جادوی کلمات غیر قابل فهم عربی حلال و پاکیزه می کند.

ایجاد خانه های زفاف زیر لوای ریاکارانه اسلامی "عفاف"، تزویر اخلاقی جمهوری اسلامی را می پوشاند و در عین حال قلعه هایی با برج باروی شهرنوی جدیدی است که بر سر در آن نام بزرگ پاکدامنی و "عفت" را چسبانده اند، تا زشتی عملشان پنهان شود.

این خانه ها محل شکار دختران و زنان مستمند و زیبایی خواهد بود که از طریق مافیای آخوندی به کشورهای عربی کرانه خلیج فارس اعزام می شوند. آخوندها فهمیده اند که صادرات فحشاء شغل پردرآمدی است. این واقعیت را می توان در سبک کار مافیای اروپا دید که ممالک اروپای شرقی را به فاحشه خانه اروپای غربی بدل کرده اند. مسافری از ایران می گفت، ایران تا بلند منطقه است و دارد با کشور تا بلند از تصدق سر اسلام ناب محمدی با موفقیت رقابت می کند.

نظارت بر "آزادی جنسی اجباری" که همان فحشاء رسمی است از جنبه بهداشتی برای ممانعت از اشاعه بیماری ایدز که رژیم جمهوری اسلامی آنرا نفی می کرد بسیار با اهمیت است و این را سرانجام افزایش قربانیان این بیناری در کله آخوندها فرو کرده است و یا شاید هم خود آنها و یا آقازاده های آنها به این بیماری دچار شده اند و حال به فکر راه حل های اسلامی

افتاده‌اند و عقل قاصرشان سرانجام به خانه‌های "عفاف" رسیده که از هر نظر جای فال است و تماشا. ریاکاری حکام در قدرت اعم از اقتدارگرا و یا اصلاحات چی را از اینجا متوجه می‌شوید که هیچکدام از آنها سعی نمی‌کنند نقطه ضعف این طرح را بر ملا کنند.

از نظر اسلام شیعه دوازده امامی صیغه آزاد است. یعنی جنس مذکر می‌تواند زنی را برای تمتع جنسی با مبلغ معلوم و به مدت معلوم به عقد خود در آورد. این مدت فرضاً از چند دقیقه تا ۹۰ سال هم می‌تواند باشد. مبلغ آن نیز میتواند پول بخور و نمیر تا مبالغ سرسام آور را در بر بگیرد. یعنی همان کاری که قبلاً در قلعه شهرنوا انجام می‌گرفت و پولی به آخوند داده نمی‌شد. پول را آنروزها قوادی بعنوان "خانم رئیس" می‌گرفت. در اینجا جای شغلها عوض می‌شود. اگر در نظام گذشته ریشه‌ای فحشاء با ریشه‌های اجتماعی آن در این نظام فرقی نکرده است، اگر در نظام گذشته قوادان و چاقوکشان و تفاله‌های اجتماعی از قبل خود فروشی زنان قربانی و فقیر طفیلی وار زندگی میکردند، نظام جمهوری اسلامی می‌خواهد آنرا بحد یک مناسبات انتفاعی، به حد یک ساختار مافیائی و شبکه سرمایه‌ساز ارتقاء دهد. در پای این سرمایه‌گذاری مدرن همه آن اعتقادات مذهبی که بر زبان می‌رانند کشته می‌شود.

همه می‌دانند که بنا بر ادعای مذهبها وقتی زنی مسلمان به امر صیغه با مردی مسلمان تن می‌دهد باید مطابق همان قوانین سه ماه و ده روز عده نگاه دارد. وی حق ندارد در این مدت به مرد دیگری صیغه شود. و چنانچه از مردی صاحب فرزندی شد این فرزند نیز مانند سایر فرزندان از مال و منال پدری ارث می‌برد.

بگذریم از آنکه این شروط هیچگاه عملی نشده است و لباس صیغه را برانزده تن روسپیان از آن جهت ساخته‌اند تا کار جامعه مرد سالار را توجیه کند، ولی کتمان این شروط از زبان سخنگویان مذهبی از هر جناح آن حاکی آن است که نمی‌خواهند لفظ متداول فاحشه را در مورد زن صیغه که کالای بدنش را در بازار شهوت عرضه کرده و به خریداران راغب به قیمت‌های نازل به فروش می‌گذارد بکار گیرند و پرده از چهره ریاکاری رقیب بردارند. آن تفسیری که آنها از زن صیغه برای کسب حداکثر سود در بازار بساز و بفروش سرمایه‌داری می‌کنند بدون نگهداری "عده" است زیرا زنی که با این شرایط تن در دهد کارش نقض غرض است و نه می‌تواند زندگی مسکینانه خود را که علت علل این کار بوده بچرخاند و نه فایده‌ای به شبکه قاچاق زنان ایرانی و صادرات آنها به ممالک عربی میرساند. صیغه‌ایکه سه و ماه روز صبر کند به چه کار می‌آید. آخوندها و آقا زاده‌های آنان به صیغه‌هایی نیاز دارند که کار "اکورد" بکنند تا کیسه‌های آنها پر شود. ثروت سرمایه‌داری اسلامی بر انبوهی از فقر و مسکنت مردم، بر کوهی از محنت خانواده‌های پاشیده، بر تیر روشنائی چشمان در انتظار کودکانی که بر در دوخته شده است تا مادرشان از راه برسند و شکم آنان را سیر کنند، بر غم بی پایان پدرانی که از شام شب شکمشان را سیر می‌کنند و با چشمان گریان سر بر بالین می‌گذارند زیرا می‌دانند که این محصول کار چند ساعته دختر پر امید آرزوی آنها بوده است که چنین آب می‌شود، بر پا شده است. سرمایه‌داری حتی نوع مذهبی آن جامعه را به اقلیتی ثروتمند و اکثریتی فقیر بدل می‌کند. به انسانهایی که آزادی خود را در کاهش روز شمار مرگشان می‌بینند و آنهائیکه برای خود و رهبرشان طول عمر فراوان در ناز و نعمت آرزو می‌کنند. این است جامعه‌ایکه فقط اسلامی نیست سرمایه‌داری نیز هست و این نکته است که دشمنان پرولتاریا و کمونیستها آن را کتمان می‌کنند.

دکتر شهین علیای زند، روانشناس و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی معتقد است: "طرح رقت بار تاسیس خانه‌های به اصطلاح "عفاف" یکی از دردناکترین و کوبنده‌ترین طرح‌هایی است که در این چند سال اخیر در جامعه ارایه شده است و عمق این فاجعه تا به حدی است که به نظر من تمامی زنان و مردان جامعه باید بیاخیزند و مسئولان در مقابل این تحقیر و توهین عظیم ایستادگی کنند."

وی ادامه می‌دهد: به نظر می‌رسد مدیران مدعی این جامعه، حال که به دلیل ناشایستگی و سوء مدیریت در گسترش رفاه اجتماعی و تعدیل آسیب‌های اجتماعی اقبالی نداشته‌اند تصمیم به تعمیم دادن و همگانی کردن آسیبها گرفته‌اند و از این رو حتی از قشر محصلین، یعنی کسانی که کمتر از ۱۸ سال دارند دعوت کرده‌اند تا در این فاجعه دردناک شرکت کنند."

وی ادامه داد: "وقتی در جامعه‌ای قبح چنین رویدادی تا بدین حد شکسته می‌شود که از محصلین یعنی نوجوانان زیر ۱۸ سال نیز برای همکاری در این راستا دعوت به عمل آید وقوع هر اتفاق و جنایت دیگری نیز امکان پذیر خواهد بود. علاوه بر این الصاق واژه عفاف به مراکز فحشاء آن ته مانده فرهنگ و اصالت این ملت ستمدیده را به نابودی خواهد کشاند". خانم دکتر شهین علیای زند بدرستی این عمل میران مدعی این جامعه یعنی خامنه‌ای و رفسنجانی و اعوان و انصار آنها را مروج فحشاء نامیده است. وی بر ملا می‌کند که اصرار دست اندرکاران به دعوت از دختران ۱۸ ساله تنمه آبروی ما را نیز از بین میبرد ولی ترویج فحشاء باید زنان زیر ۱۸ سال را نیز در بر بگیرد زیرا بازار فروش این کالا در جهان و شیخ نشینها خلیج فارس خریدار بیشتری دارد.

البته این بحث در ایران نه از توسعه فحشاء جلو می‌گیرد و نه از کسب و کار آخوندها و درآمدهای کلانی که از این راه به جیبهای خود سرازیر می‌کنند. ولی یک چیز نتوانست جنبه عملی پیدا کند و آن اینکه نام فاحشه‌خانه را با خانه "عفاف" عوض کنیم. حتی معجزه اسلامی هم نمی‌تواند این کار را بکند. آخوندها شغل شریف "جاکشی" را به گردن انداخته‌اند و تلاش آنها برای گرفتن عنوان مدیران و یا مسئولین خانه‌های "عفاف" و حفظ "قدوسیت" و "پرهیزکاری" خویش در انظار عمومی کاملاً بیهوده است.

بهمین علت است که هیچ مقامی حاضر نیست مسئولیت انتشار و دفاع از این طرح را بعهده بگیرد. روابط عمومی قوه قضائیه با صدور اطلاعیه‌ای تصریح کرد: قوه قضائیه ضمن رد دخالت در طرح "خانه‌های عفاف" آنرا نافی ارزشهای معنوی و بنیان مستحکم خانواده می‌داند.

حیات نو در شماره ۸ مرداد می‌نویسد: "از سوی دیگر مشاور رئیس دفتر نماینده ولی فقیه در سپاه با صدور اطلاعیه مشابهی تصریح کرده است، در این طرح که تهیه آن به دو دستگاه اجرایی (بدون ذکر نام) نسبت داده شده است، به عضویت نماینده ولی فقیه در سپاه در هیئت امنا اشاره شده است در حالی که نماینده ولی فقیه در سپاه نسبت به موضوع مذکور بی‌اطلاع بوده و نسبت دادن خلاف واقع آن قابل پیگرد است".

خواننده توجه دارد که خود طرح و بانیان آن قابل پیگرد نیستند ولی نسبت امری که ظاهراً نه طرحش اشکالی ندارد و نه بانیانش مرتکب گناهی شده‌اند، به نماینده ولی فقیه قابل پیگرد است. از این حساب ساده معلوم می‌شود که این طرح با رضایت ولی فقیه و یا منسوبان به ایشان مطرح شده است و از حمایت شخص ولی فقیه برخوردار است.

## حزب کار ایران (توفان)

نشانی در اینترنت [www.toufan.org](http://www.toufan.org) نشانی پست الکترونیکی [toufan@toufan.org](mailto:toufan@toufan.org)

شماره دورنگار در آلمان ۰۶۹/۹۶۵۸۰۳۴۶